تأثیر متفاوتی شرکت در فرآیند تصمیم گیری در سیاست خارجی ایران در وابستگی به حکومت پهلوی دوم

نیکش واعظ

چکیده

شکل‌دادن محوریتی شده، سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داد. این پیش فرض برای همیشه جایگزین و مبتنی است بر تأثیر متفاوت شرکت در تصمیم گیری در کشورهای توسه‌نواز. در این مقاله، تأثیر متفاوت شرکت همراه با عوامل اجتماعی داخلی بر سرعت پخشیدن به فروپاشی رژیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: محوریت، تصمیم‌گیری، سیاست خارجی، ایران، شخصیت.

۱- استادbattery علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی شهربانو

تاریخ دریافت: 1388/02/01

تاریخ تأیید: 1388/04/28
مقدمه

پژوهش‌های الگوی فکری و مدل‌های شخصی محدودیت‌ها، به خصوص بر فراکن تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، از موضوعاتی است که در ایران مورد کم‌پرداز چهارشانی واقع شده است. هدف اساسی این تحقیق بررسی این پرسش اصلی است که خلق و خو، نوع برداشت‌های محدودیتی چه تاثیری بر فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست‌های خارجی ایران بالایش در دهه‌های آخر داشته است؟ افزون بر آن پرسش‌های فرعی دیگری نیز به قرار زیر طرح شده است:

1. در انطباق با نظریه‌های روزناه، طرح ویژه‌ای فکری محدودیت چه بوده است؟

2. بر پایه نظریه رایموند کاتل، صفات عمیقی و براساس نظریه گوردن آلبرت، صفت اعظم محدودیت‌های چه بوده و هر یک از آن صفات چه بازخوردی بر تصمیم‌گیری چه در حوزه‌ی سیاست‌های خارجی بر چای می‌گذشت؟

3. چه رابطه‌ای بین سیاست‌های محدودیت و سقوط زمین یهلوی وجود دارد؟

شالوده‌ای فرضیه حاضر به شرح زیر پریزی شده است:

در پوشش تصمیم‌گیری در سیاست‌های خارجی ایران، در دوره‌ی یهلوی، ویژگی‌های شخصی و طرز تلقی محدودیت‌ها و اراده وی بر سایر متغیرهای تأثیرگذار مانند متغیر محیط ملی، نهادهای اداری و نظام بین‌الملل اولویت می‌یابند، همچنین به نظر می‌رسد، طرح ویژه فکری وی باید تولید قدرت امپراطوری ایران باستان و مدرن‌یز کرد می‌تواند از طرف خاتمه‌گذاری پراکت آمریکا را تحت تأثیر خود قرار دهد. صفات پایه‌ای محدودیت‌ها، جامعه‌پرستی بودند و ترکیبی از دو صفاتی ترس و عظمت گرایی، صفت اعظم متوهم ترسو را در اول بخشیدند. رابطه‌ی ممادی بین سیاست‌های خارجی محدودیت که مبنی بر الگوی امینی دست‌نشاندگی و همراه با امیرالی‌عیسی بود، با وقوع انقلاب، وجود دارد.
شالوده‌ی نظری پژوهش

یکی از بنیادهای نظری این گفتار بر تئوری پیوند روزتا۱ گذشته شده است. روزتا، بر آن است که رهبران سیاسی در جهان سوم، نقش اساسی در سیاست‌گذاری‌ها دارند و بر شاخص‌های فردی رهبری به خصوص بر طرح وزرای فکری هر فرد تأکید دارد و آن را زمینه‌ساز فشار کشورها در نظام بین‌المللی می‌داند. منفی‌های انتخاب بر سیاست خارجی از دید آن به پنج متغیر تقسیم می‌شوند:

۱. متغیر فردی (شخصیت تصمیم‌گیرنده): این متغیر به برداشت‌ها، تصویرات و ویژگی‌های انحصاری تصمیم‌گیرنده که سیاست خارجی را تعیین و تحقق می‌بخشد، مربوط می‌شود.

۲. متغیر نقش: این متغیر معمولاً به عنوان شرکت مشاغل‌ها یا قواعد رفتاری مورد انتظار از شغلها و مقامات تعیین می‌شود. هر فرد می‌تواند تصویر خود را از نقش، از شرکت وظایف آن نقش در قانون اساسی، اساسنامه‌های قانونی و لوازم کسب کند که این منابع حیطه‌های مسئولیت‌ها را تعیین می‌کند و در عین حال بیشتر ممکن است زیر فشار انتظاری که درگیران از آن نقش دارند، قرار گیرد.

۳. متغیر نظام اداری (پرونکراتیک): این متغیر به اثر ساختار و فرایند یک حکومت بر تصمیم می‌گیرد که در سیاست خارجی اشاره دارد. پرونکراتیک روند پیچیده‌ای را در هر کشور طی می‌کند و وزارت خارجه، نهادها و سازمان‌های مختلف، منافع خود را در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاست خارجی از راه بازی‌ها و رقابت‌های پرونکراتیک دخل می‌دهند.

۴. متغیر محفظه ملی؛ عناصر سازندگی قدرت ملی در کشورهای مختلف یکسان نیست و دولت‌های واقعی یا تازگیر، به گاه تصمیم‌گیری ملاحظات ناشی از رده‌های قدرتی خود را در نظام بین‌المللی و متغیرهای زیست‌محیطی مثل زیست‌محیطی و زناویونمک‌ها و سیستم تکنولوژی، توانمندی نظامی و حتى روحیه ملی لحاظ نمایند.

۵. متغیر نظام بین‌المللی؛ منظور از این متغیر تأثیر عواملی بر تصمیم‌گیری است که نسبت به یکشور مورد مطالعه، به‌روش محسوب می‌شود. برای مثال، در دوره‌های مورد مطالعه این گفتار و در

---

فضای ساختار دو قطبی نظام بین‌الملل ایران، تحت تأثیر شدید آرامانی و صفات فردری شاه روبرو کرد. در گزنبوده، ایران عمر پهلوی، موافق وضع موجود در نظام بین‌الملل بود و در نتیجه ایین هم راستایی، یکبار در سال ۶۵-۱۳۵۵ توانست به عضویت گروه‌های شورای امنیت درآمد. وضعیت که تاکنون و پس از برتری ۱۵۸ را ژاپن بر ۳۲ رای ایران در ۲۴ مهر ۱۳۸۷ برای ایران تکرار شد، به اسم جان فوران، بر این است "گزارش در نظام جهانی" و سیاست حقوق بشر کارت به طور نسبی زمینه را برای بروز انقلاب اسلامی در ایران فرآیند کرد. برای راه‌یابی به تأثیر صفات فردری بر فرایند تصمیم‌گیری از تئوری‌های دو نظریه بهزاد در رشته‌ی روانشناسی شخصیت، استفاده گردیده است.

گودون آلیورت۲: بر این است که صفات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

1. صفات اعلم: منظور آن دسته از صفات است که استمرار و فراگیری داشته باشند.
2. صفات متمرکز؛ صفاتی که در مقایسه با صفات مرکزی از شدت و استمرار کمتری برخوردار است.
3. صفات نادر: به صفات نادر است، ناشناور و عمومیت نایف‌تر فرد. ممکن است.

برای این تئوری رایموند کاتل، صفات ساختار روانی فرد را تشکیل می‌دهد که آنها یک دانشگاهی رفتار خاص انسان به آن می‌تواند، راه یافته، از دید اول هر انسانی، صفات عمیق و پایه‌ای دارد که از روی صفات اصولی و از طریق تحلیل عوامل می‌توان به آن پی برد و در واقع این صفات زیر بنا شخصیتی فرد را می‌سازند.

در سطور مانده، مؤلفه‌های شخصیتی محمد درخشانی و اثر آن بر سیاست‌گذاری در امور خارجی با توجه به سه نظریه فوق بررسی خواهد شد.

۱- محمد تاریک، "نظریه نظام جهانی جان فوران، انقلاب اسلامی ایران"، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ۱۳۸۲، دوره ۸، ص۱۷۲-۱۸۴.
۲- سید شمسی (۱۳۸۲)، مبانی و ظره‌های در روانشناسی شخصیت، ج.۳، تهران، رشید، ص۱۷۲.
گفتگاه‌های سیاست خارجی ایران در دورهی پهلوی دوم

اهداف سیاست خارجی براساس ماهیت به سه دسته به شرح زیر قابل تقسیم‌بندی است:

1. اهداف خودگسترشی؛ به آن دسته از اهدافی گفته می‌شود که با تغییر وضع موجود به آن دست خواهد یافت و درواقع بین‌گر آرزوها و خواسته‌ها است.

2. اهداف خودحفاظی؛ به آن گروه از اهدافی گفته می‌شود که یک کشور برای پقا و حفاظت از خود دنبال می‌کند و درواقع به سرجمع موضوعی خود قانع شده و خواسته حفظ وضع موجود می‌باشد.

3. اهداف خودانگاری؛ که در بر گیرنده‌ی اهدافی است که فراموش قلمی به شمار می‌روید، این کشورها برای اهدافی مانند اتحاد، صلح، خوشبختی و اخلاقی در نظام بین‌المللی، علاوه‌اکثر به نظام بین‌الملل تلاش می‌کنند.

با توجه به این دستورالعملی به نظر می‌آید که ایران درده‌ی اول دورهی پهلوی دوم به حفاظت اهدافی، خودحفاظی است و به وضع موجود و عدم تکمیل ایران به دو بخش ایران شمالی و ایران جنوبی، رضایت داده است. در سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۲، خودگسترشی است و با نهایت ویژه‌ای که‌که از خود ایرانیان به‌پدادرکه بود، خواهان رهایی از سلطه انگلیسی‌ها می‌شود و تقریباً تا یک دهم، پس از کودتا، خود حفاظتی است، اما در سال‌های پایانی خود گسترشی است و درصد کسب قدرت بیشتر و تبدیل شدن به قدرتی هژمونی، در خاورمیانه می‌باشد. اما، گفتگوها دست خارجی ایران در دورهی پهلوی دوم، صرف‌نظر از سیاست‌گذاری و کرداری‌ها می‌توان درمورد زیر، تقسیم‌بندی کرد:

1. استقلال جویی، رشد و رفاه اقتصادی ۲. تاسیس‌الیسم مشت ۳. کمونیسم سیزی ۴. غرب‌گرایی

این قاعده که: "مننای استقلال در حافظه‌ی جمعی ملت ایران است."در دوره‌ی پهلوی استنتاجی نیافته و کوشش‌های دولت برای رشد و پیشرفت اقتصادی ایران را می‌توان تکلیفی در تحقق همین اصل ثابت نمود. مساعی دولت‌های ایران در جریان اتفاق پیمان سه جانبه بین ایران، انگلیس و روسیه در بهمن ۱۳۲۰ و تأکید بر اصل حفظ استقلال، ماده واحدی عدم واگذاری نفت، به هر دو دلیل خارجی، در آذر ۱۳۲۹، میلی کردن صنعت نفت کشور، درسال‌های
به‌شمار می‌رود، گذشته از آن در سیاست گفتاری محمدرضاشاه، نیز به‌زای بر اصل حفظ استقلال ایران، تأکید می‌شد. چنانچه، وقتی مصمم‌اند شنید که نیکسون تصمیم گرفته در مصلحت‌های آینده کشورهای غربی با مسکو، منافع ایران را لحاظ ننکن، گفت: "اگر ناخواهم داد مصلحتی که اگر این ملی ایران، یک مهربانی برای انتخاب نیست که انگلیس و آمریکا، هر وقت دلشان خواست آن را به این سو و آن سو برند." یار دیگری به مانند، بی‌نحو نگرانی ایجاد خود را چنین بازگو نمود: "قدرت‌های برگزیده‌های معتقدند هرچه خودشان دارند، حق آنها است، اما هرچه ما کشورهای کوچک داریم قابل مصلحة است." ۱

شاد در مصاحبه‌های خود پاره‌ای از این موضوعات که ارائه‌ای یا معطوف به "گاهش نفوذ خارجی"، قرار داشته ابرو و زدیده است.

۲. ناسیونالیسم مثبت

در دوران می و هفت ساله سلطنت در عرصه سیاست خارجی، سه طرح بر سر خود ایجاد می‌کرد. یک حفظ استقلال بود وی سر راه‌نگارند در انتخاب اسلامی، این دوتی به خاطر دستشاندگی به یک قدرت برگزیده حکومت به نژاد شد. عناصر این سیاست موازنه‌ای می‌کنند که در دوران می در کردن صنعتی نفت، به‌ایجا گذاشته شد عبارت بود: "یک توافق سیاسی از قدرت‌های خارجی". ۲ منع و اعتراضات افتخاری به بی‌گانگان.

این سیاست به معنای انتظاری بود، بلکه بر عناصر کلیدی، زیرا نهاد شده بود: "منش می- خواهد که خارجی از این ملکت بود و لفظاً و معنی استقلال او محض نشربند. متعهدان به این سیاست بر آن بودند که هر مقطع‌الی‌بای تحویل ظاهر هو به باش طلبان دست مصمعی

---

۱. استادیار علمی (1371) دکتر وکیلی من به پیش‌اتری اطراف محرمانه (زیر نظر عالی‌ترین وزرای هم‌مردانه تهران، طرح نوشته‌های (1371).

۲. حسین کی استون (1355)، سیاست موازنه‌ای متنی در مجلس چهاردهم تهران، انتشارات مصدق، 1355، صص 129.
است و ان مقطعو، لیدی که بخواهد مقطعو، لیدین شود، خوش است خود را از مدت زندگی خلاص بند".

با انجام کودتا 28 مرداد، دولت با اشکال محمد رضا سیاست ناسیونالیسم مثبت را در پیش گرفت. محمد رضاشاه برای سیاست ناسیونالیسم مثبت که احتمالاً با توجه به خصائص مرکزی، خودشیفتگی تمامی دانش که از آن با نام "دکترین محمد رضا" یاد شود، ابعاد و وجوه زیر را قابل بود:

"به فکر پاناسیونالیزم، مثبت عبارت از زاویه است که حداکثر استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را به طوری که با منافع اقتصاد برای ملک ایران فرض کرد. اظهار می‌دارد، برای ما ایرانیان ناسیونالیسم مثبت، مفهوم غیرقابل قبول و افزودنی ندارد. می‌گویم هر چیز را می‌پذیرم به شرط آنکه موقتی طول مدت همبستگی، به گفته محمد رضا".

در هر حال، عناصر که بدانند سیاست ناسیونالیسم مثبت، به گفته محمد رضا

عبارت بود از:

1. پشتیبانی صمیمانه از سازمان ملل و همراهی برای تحقیق و تشکیل در بین المللی
2. تلاش برای ایجاد دستیابی منطقه‌ای در خاورمیانه
3. شرکت در برنامه‌های دستیابی همکاری و همکاری در اقتصادی
4. استحکام سازمان اقتصادی متغیر حاکمیت و تمامی ارضی کشور ایران و امیر خدالی

سیاست این اصول به وقوع امینیت و حل کردن به روش‌های سخت‌افزاری برای تامین امینیت

به مورد که بیشتر از احساس شدید تأمین، در شاه به دیده است.

اما سیاست ناسیونالیسم محمد رضا نیز چندان نیافته و در سیاست خارجی دوی ایران از دهه 1340 به بعد به خواست دولت و امرای شاه، سیاست مستقل می‌دید به پیش گرفته شد. به نظر می‌آید متغیرهای مختلف درونی و بیرونی در انتخاب ان خطا مشی اثر گذاشته‌بودند.

همانند:

1- محمد رضا بهرامی، (1372 ماهوری، برادر ولیم، تهران، پیوند، ص 151).
۱. دوران تنظیم‌زایی در روابط دو ابر قدرت.
۲. کاهش توجه آمریکا از خلیج فارس به دلیل پیامدهای جنگ و بهتام
۳. افزایش تدریجی قیمت نفت

محمدی‌زاده با سرمایه‌های ناشی از درک چنین فرستنی، سمت و سوی اصلی جهت‌گیری اخیر خود را
دست‌کم در سیاست کنترلی یاکنون به‌یا می‌کند:

"خطوط اصلی این سیاست بر پایه‌ای اصول مشخص صلح‌جویی صمیمانه، همبستگی و تفاهم
با کلیه کشورها و جوامع با سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های متفاوت، طرفداری از هرگونه
کوشش برای استقرار و ثابت‌سازی عوامل اجتماعی در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی
پیشنهادم از هر قاهکی برای تبدیل قابلیت جوامع فقری و غیره، همکاری بین‌المللی در
مبارزه با بی‌سوادی و گرسنگی و بیماری و سایر بی‌حالی‌های اجتماعی عصر حاضر طراحی شده است.

دیپلماسی ایران که مجزی سیاست طراحی شده محدودی‌دار در امور خارجی بود از "۱۹۴۲
به بعد درگز شلیک‌های ناسیونالیستی" پیدا کرد و در عمل به باورداشت‌ها و ارزش‌های دینی جامعه با
روابط رف به رشد با اسرایل و عامل اجنبي شدن در هم‌داستانی با آمریکا، بی‌اعتیاب صورت گرفت.
تا سرانجام به‌نشر‌های فروخته‌ها ناشی از جنگ خطمشی با وقوع انقلاب مفری‌یافتند.

۲. سیاست کمونیستی

پشتیبانی اکثریت شوروی از مقاصد خویختاری طلبان آذربایجان و کردستان، پس از جنگ
جهانی دوم، خاطره‌ای تلخ، در سیده‌ها قدیر به‌یای محمدی‌زاده ایجاد کرد و دوباره را شکل
بخشید که خطر شوروی به مراتب از همه‌ای دشمنان ایران خصوصاً ایران و باشور است. و باک‌ها اظهار می-ً
داشت که: "برای کشورهای توسعه‌نیافته مسئله درک خطر بزرگ است که همان خطر جدید
امیر را باید کمونیسم می‌باشد.

---
۱. محمدی‌زاده علی (۱۳۵۱، تحلیل سیاسی و سیاست خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰)، تهران، سپیده صافی‌پور، ص ۱۸.
۲. احمد میر فردرسکی (۱۳۸۲، دیپلماسی و سیاست خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰)، تهران، علی‌محمدی، ص ۱۱۸.
محمدزاده پارسا شورویترسی و دلهره خود از توضیحاتی روسها را این گونه بروز می- داد: "این چیز چنین نخواهد شد."

اما در تمام سال‌های حکومت خویش، درصد راهبردهای برای برون‌رفت از وضعیتی که خود آن را "پیچیده و بی‌خوری" می‌خواند، بود و سرانجام راه‌ها در هیپمانی با غرب جستجو کرد. و شوروی نیز ضمن اظهار عضویت ایران در پیمان‌های ضد شوروی مانند بندان را بر نم تفاوت وی در عین حال مرایک بود که به کلی پیوندهای دو کشور قطع نشود و دو کشور به این امر به‌طور سیلیمیکی عمل می‌کردن که رابطه امپراتوری‌ای آمیزه پیوتر از قطع رابطه است و شخص محمدزاده نیز در سال‌های تختی قدرت، درصد ترمیم رابطه برآمد و گاه از کارت گردش به سوی شوروی با هدف دریافت استیجاری بی‌شیوه از آمریکا یگه می‌برد.

پیدا کن‌سان محمدزاده، هم‌اکنون با مخالفت با کمونیسم، به سازمان‌دهی مناسبات ایران با دولت اتحاد جماهیر شوروی برآمد و پیرو چنان تصمیمی در ۱۳۴۲-۱۳۴۱ به‌رهبر شوروی اطمینان داد که به هیچ‌قدرتی خارجی، اجازه تأمین پایگاه نظامی ضد شوروی را در ایران نخواهد داد و از آن پس، به‌شیرت بر وجوه اقتصادی پیمان جنگی تصمیم می‌نمود.

شوری، اشاره‌های شاه را ثبیر به حسن نمود و از علاقه‌ای شاه به گسترش مناسبات منطقه‌ای به سود اشتباهی خود برای "دستیابی به منابع طبیعی و به خصوص گاز ایران" به‌پردازی کرد و از نه‌مه‌همه‌های منطقه‌ای تا اندازه‌ای کاسته شد.

غرب‌گرایی

یکی از مبانی سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی را اتخاذ با کشورهای غربی تشكیل می‌داد. در همان گام نخست در جریان انقلاب ایران، محمدزاده، همکاری با متفقین را لازم تشخیص داد و در سال‌های بعد نیز، محمدزاده بارها خود را به قدرت، پس از کودتای ۲۸ مرداد مرهون آمریکا می‌دانست.

---

2. ibid, p449.
هر قدر صفت بیگانه‌گری موحدرضا، او را ازشوری روی گردان می‌نمود. خصالت قدرت-
سای موحدرضا، او را به سوی امریکا می‌راند. بنابراین، موحدرضا به یک قدرت غربی دیگر. 
پس از قدرت سهیمی دانسته، نمی‌خواست به نفرت عمیقی که رابطه با اینگلیسی یابد، به ویژه پس از ملی‌سیانی در ایران، برای دولت‌های ایجاد کرد هرود، برای بحث و بررسی یا پس از
افتال اسلامی که تصویری از کرد اینگلیسی‌ها انتقال‌هایی پس از کودتا را از او و متحد
فراگرفته‌اند. امریکا با پشتیبانی از مقاصر انتقال‌های ایران گرفته‌اند، نیز اولاً راه نکرد. با این حال،
گرچه این‌گلیسی‌ها مطمو، اما برای سیاست خارجی در آن زمان مقدور نبود.

به نظر می‌آید نزدیک‌تری که در روزگار کودکی درباره موحدرضا اعمال شد، سپر گردید.
وقتی براش تحویل به سویس رود، ربی را ارمنی، شریف خود بنام و تهیه گردید مورد
پادشاهی نیز با روابط گسترش دیده در سه کشور غرب از مقاصر خود برآورد. و در آن میان
برای امریکا، مضارب و پشتیبانی امپراتوری آمریکا به داشت و قدرتی متفاوت و احترام
برانگیز بود. در سیاست، گفتار قدرت موحدرسی، اصل بر "تعلال میان دنیای غرب، اتحاد جاهی
شوری، کشورهای اروپایی شرقی و جمهوری خلق چین" تلاش براش همکاری چهانی "قرار
دشته. اما در سیاست قدرداری، همه راها به غرب از نوع امریکایی ختم می‌شود.
از دیگر دلایل درباره موحدرضا به غرب را می‌توان در بیانیه نظام شاهنشاهی از مردم
دشته که چنین این نظام موجبات تاریخی مردمی را فراهم کرد که در نهایت به انقلاب
اسلامی منجر گردید، ناگزیر شد برای پیگاه خود از محدودیت پرورو و بالاصل از امریکا یاری
جودید.

ساپر علت روی‌کردن به غرب عباتر بود از آفریقای کم‌کم‌های امریکا به ایران و ایفای نقش
حامی براش ایران، که در این زمینه؛ داشت که فرمانروایان تحقیق کرده و سرانجام نیز
موفق شد شخصاً نوعی سیاست خارجی تدوین کند که هم با خط مشی دیگری و هم افکار باشد
و هم بیش از هر چیز با سیاست وابستگی به ایالات متحده انطباق داشته باشد.
ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی در دوره‌های پهلوی دوم

در این دوره در ساختار حقوقی قدرت، به‌نهادیدن مجلس، مجلس شورای و هیأت وزرا از نهادهای اصلی در تصمیم‌گیری برای سیاست خارجی ایران بودند. مهدویت در تاریخ یاده‌ای ایران، عالی‌رتبه ترین مقام قوهی مرجعی به حساب می‌آمد که بر طبق اصل ۲۷ قانون اواسمه مشروطه‌ی "پادشاه مستشاری اختیار قانونی را داشت و در صورت نیز می‌توانست لایحه‌ای را به مجلس تقدیم نماید." آنچه که درباره‌ی ابعاد قانونی قدرت محتوایشان به خصوص در حوزه‌ی مربوط به سیاست خارجی می‌توان گفت، آنگاه وی تا به این انحلال مجلسین، برجوادری بر اساس تصمیم از حق تعيین روسای عالی‌رتبه‌ی نهادهای مهم، هرمندی که قوا نیز بود و بنابراین حق اعلام جنگ و صلح از دیگر وجه قدرت فوقالعاده‌ی وی به شمار می‌رفت. به این ترتیب ساختار قدرت قانونی شاه در ایران در ذات استقلالی از بوده، به چه دسته‌ی به آنکه محتوای نیز به لحاظ خصوصی‌های فردی میل به خودکامگی داشت. اما، در بعد فراوانی می‌یابه‌ی نقاطی و پنهن یا همان ساختار واقعی قدرت، در عمل یک‌انه مرکز تصمیم‌گیری در امور داخلی و خارجی به ویژه در دهه‌ی آخر، شخص محتوایی بود.

بر خلاف سلسله‌های قدرت پنگه، قواه سگاه‌های کشوری، کاملاً مطبوع درفرا، هم‌وهمی و امیرلکونون و شاه در سالهای پایانی توانست خود را از سایه‌ی سیگنت‌وزیران مقدوری چون قوام، زری‌آرا، مصدق و امین‌ی برهان و به چهارفه‌ی مفرحی، منبع و مرجع تصمیم‌گیری رژیم تبدیل شود.

---
1 - دیوید آشتی (۱۳۸۷)، بیانیه‌ی شماره وابستگی ایران، ترجمه عیدالله‌ها همچون‌مهدی، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ص ۱۰۸.
محدرضا، از شرکتهای زیر برای تغییر چهره دادن به بزرگتر اول تصمیم گیری درملکت پنهن

برد: از عنصر نظیری سلطنت که پرایه آن شاه دارای فرّ و شکوه ایزدی بوده، همچنان بارها
مدعی شد که اهمی معاوضه را در خواب دیده و خود و قلمرو تحت امرش، حفاظت شده آن
ها است.

محدرضا از راههای زیر به توسیعی قدرت فرائقوئی خود پرداخت. موضع نمودن سفرای
ایران به ارسال گزارش‌های روزانه "با تلکو رمزادر" به وزارت خارجه، گماردن اشخاصی با
ضدیت شدید به یککیه در مصرف اموری که به نحیه به سیاست خارجی ارتباط نزدیک داشتند،
تا امتنع اتفاق این عهدا به شاه شود. برای نمونه گماردن ارشدش زاهدی در سمت وزیر خارجه و
انتصاب ونیسا به عنوان نخستوزری که با یککیه خصوصی دیرینه داشتند، به طوری که کار
دشمنی آن در دوره ۱۳۵۰ به چایی رسید که ونیسا نامه‌های آمیزی را به زاهدی به او نوشته،
عیان به دست شاه ساند و گفته بود "یا من در مقام نخستوزری باقی می‌مانم یا ارشدش زاهدی
در وزارت خارجه". شکرده دیگر وی متعدس و متنوع نمودن منابع خبری بود واین امردر حفظ
پرتری اطلاعاتی شاه بر وزرا مؤثر واقع می‌شد.

افزون بر آن می‌تواند اطلاعاتی از این مافتهای مهم می‌گمارد که موظف به ارسال
گزارش پوینده و رقابت‌های آن مافر در اعدام سفارتهای در عمل هیچ خبری را از چشم شاه
پنهن نمی‌گذشت، و برای افزایش شخصی شده و از او چرا نامی‌دند؟ و می‌افزود. احمد
میرفخری‌سکی تبریز ریست و بن زیبایی از خوادخوری شاه، در سیاست خارجی که سبب وابستگی
شدید کارکرد سپریم به وی را فراهم کرده بود، به قرار زیر به کار می‌برد:
"اعلیحضرت محضرپاشان شاهد رهبر ارکستر است که تا زمانی که این چوسنا را پرید نکرده هیچ
مازی نابد به صدا درآید.115

---
1 اورتانا نالالچی، (بر. آنتی) مصاحبه با تاریخ سازان، بیانا، ص ۸۴
2 - اردشیر زاهدی (۱۳۷۱، چامه از روزنامه ارشد شاهی در گفتگو با یک یا یکی احساسی و هدف‌های بانی، به‌افزوده، ص ۵۷)
3 - عباس‌الله سوشکه، مهدهی (۱۳۸۸، در: هاشمی، سیاست خارجی از دوران نهضت ملی، تهران، گفتار، ص ۱۷۹)
4 - در: هاشمی، سیاست خارجی از دوران نهضت ملی، تهران، گفتار، ص ۱۰۰
5 - گفتگوی من با یک شاهد (خاطرات صدر)، ص ۱۹۵
6 - دیپلماسی و سیاست خارجی ایران از سوم تجدد ۱۳۴۵ تا یکه ۱۳۵۷، ص ۴۴
وزارت امور خارجه همانند ارتش به صورت ایزرا در اجرای تصمیمات شاه درآمده بود و با هدف تجمع بیشتر قدرت به سفران ایران در کشورهای از بین گرفته فرمان داده بود که "از مراجعه مستقیم به نخست وزیری اجتناب ورزندی."شاید به دکتر جلال عبدال وزیر خارجه وقت (1387) گفته بود: "وزیر امور خارجه واگذاری خود من هستم و شما فقط مجری امر خواهید بود."
ورود غیر قانونی شاه به حرم قدرت تصمیم سازان و تصمیم گیری سیاست خارجی را می‌توان از توالی کاربرد"بنا به فرمان هماهنگی و "بنا به امر ملکانه" که به خصوص در استان و گفتار منصیبان سیاست خارجی خصوصاً در دهه آخر به کار می‌بردند را همیشه به طوری که شاه سرانته به "داور مطلق در امور دیلماسی" تدبیل شد.
البته در مورد نادیر، وزیر خارجه چون ارشدیر زاهدی، شاه را ناگزیر به اذعان به شأن تصمیم گیری وزارت خارجه می‌نمود. برای نمونه، زاهدی در اقدامی بی سابقه، از شاه تقاضا کرد که به عده‌ای از همکاران وزارت خارجه که وظیفه خاص به تحت با مسئله بحرین ارتباط پیدا می‌کرد، فرصتی داده شود تا نظراتشان را حضور آیان کند.
اما نظام شاهنشاهی، حاضر به سهیم کردن نخیگان در پویش تصمیم‌گیری نبود و به دلیل مقامات در برابر هر نوع بازگری در قدرت و به خاطر قدرن نهادمندی سیاسی، زمینه‌های لازم و

1. دیلماسی و سیاست خارجی ایران از سوی شهیور (1320 تا 1375)، ص 63.
2. در حاشیه سیاست خارجی، ص 47.
3. همان، ص 99.
4. چراغ‌دوين سبزمار (1371)، ایران و جهان، پیشانی، شاهزاده‌اندی از دوران وزارت‌های مختلف وزارت خارجه (1327-1351)، تهران، شیراز، ص 32.
مؤلفه‌های شخصیتی و تصاویر معمدرضا

صفات کلیدی که شاگردان شخصیت معمدرضا را بی‌افکنندند را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- مضطرپر، ترسو و حمایت‌جو
- رشد و نمو در دامادی خودشان و یکدی خودکاره و دهن‌کننده به استقلال رای و آزادی

عمل معمدرضا، دو خصوصی‌ترین آخرگری به زیردستان را در وجود اول نهادنی نمود. در هفت سالگی به وی‌تحیری برگزیده شد به فرمان پدر تاجدار، از مادر و خواهر دوقلوش جدای. تا در کانی‌های دادگانه تعیین و تربیت شان‌های بیرون، همین امر ضریبی عاطفی‌بدروده را به او وارد کرد که یا امر ملکانی جدید مبنی بر ادامه‌ی حصول در سوییس تمیق یافته. در سوییس علاقه‌ای پایدار به غرب در وجود نهادنی گردید. معمدرضا از تأثیر مثبت آموزش اجباری در غرب این چنین باد می‌نماید"در سوییس مزایای آموزش و پرورش دموکراتیک را درک کرد، از همانجا بود که من در درون خود علیه یکدی انتقال کردم و سوگند یاد کردم که خلاف عملکرد أو عمل نمایم."

مارونزون سویس برآر این است که معمدرضا برای غلبه بر پی در قراری‌های روی‌خود از این منع قدرت می‌باشت و در آستانه انتقال اسلامی همه آن منابع قدرت از دست رفته‌ی بودند و شاه دچار اختلال در تصمیم گیری در مواجهه با رخداد انتقال شد.

— Laing, p.102.
منابع الهامبخش و حامد مهدوی. "عبارت بودن از: ا. ارنست برون دوست دوران تحصیل محمدمردا در سوپریس 2. اشرف خواهر دو قلوی شاه و اسلامیه علم وزیر دربار 3. باور به حمایت الیه 4. پیوند با نیروی سیاست قطب قدرت در دنیا و برکاری ارتباط شخصی به رؤسای جمهور آمریکا به این قرار شا به جنبهای نازل شخصیت خود را با انتکا به منابع چهارگانه فوق رفع می- باشد. با این حال همچنان ارادهای شکنده داشت، اینجیه برای مثال در مصاحبه با خبرگزاران سمج غربی، با استیصال اظهار می داشت: "من بالاخره آنقدر به ستوه اندامه که تصمیم گرفتم ما باید دموکراسی را کانی باگذاریم و براساس حکم عمل نمایم." یک محمدمردا، اساساً هر عقیده و عمل آگاهی خشکی را در حکم یکی پنداشت که قصد" لرزنده پایه‌ها حکومت او را دارد" و به این خاطر دچار وحشت شدید می‌شود.

بیدین‌سن اثر دو خصوص ترس دوران کودکی در زمان زماداری به صورت و هم‌مک- کاری‌پسی از کمونیسم و احساس بین‌ناتی و میل به تاریف‌افتن در پرتو حمایت امریکا در نظام نهایی می‌باشد و برکه‌نمایی و صنعت سیاست‌های جدی در نهایی به تزریز، آنچنان که در تصمیم گیری‌های منافقت او در دوران سلطنت به خصوص در سال‌هایی سلطنت مانند سیاست مشت آهنین در واقعی میدان زاله و اقدام به گشایش هزینه بازسازی و ازدای زندانیان ساسی، نمود، یافته و هرگز حرکات زیک‌زاری، همچون عاملی شتاب‌ز را در ورطه‌های سقوط افتکاد.

قدرت ستا و قدرت نما

از دوران کودکی، قدرت، خشکی از زندگی شاه به شمار می‌رفت و تمامیت خواهی او به گونه- ای بود که "خاطر نبود قدرت را با کسی تقسیم کند، چه رسد به انگیزه ازان چشمشوی کن" و

1. ساروسازی، "(1980)، Ten Decades of Ulamas Struggle", ten, Ahmed propagation organization, p. 20

پژوهش‌نامه ای فهم ایرانی تاریخ/۱۶

سراجام، مقام‌تبار بر سر توزیع قدرت به مواضع جوی او با مخالفانش در آستانه انقلاب مجنور
شد.

به گواهی شوالیه بی‌پیه، ساختگی‌ها ی به‌دنده نه تنها از ای شرکتی استوار نشسته که او
برای همه‌ی عمر ترسید و ستایش گر چون وچرآی قدرت شد و باه به ذا و درون‌نیمه‌ی قدرت
همه‌ی زیردستان را ترساند.

در چارائی‌شناختی برای علیه بر مخاطرات موجود در نظام بین‌الملل و تحت تأثیر همین خصیصه‌ه–
ی قدرت‌آیند، سباست غرب‌گرا را، بر خلاف منطق زول‌لیک همچواری با سرددار بلوک
شرقی پیشه کرد.

تملیق‌تا و تملیق‌پذیر

یکی از صفات منفی محرضای تملیق‌دوستی ای او بود به گونه‌ای که نه تنها اطرافیان شاه، که
شخصیت‌هایی خارجی نیز از آن صفت در جهت پیشرفت مقاصد دول متنوع خویش بته می‌پرده‌
نگاهی به محتوای نوشته‌هایی از سنگ‌نگره قدرت‌آهنگ، در اوج قدرت‌نیایان محرضای با
عنوان "شخصیت جهانی آریامهر" گرد آورده است. نشان می‌دهد، نوع تاریخی بر طعم‌نخوری که از
محترامدومانی نمودن، در بقاء هم‌آفرینی در منطق چهارمایه و ماحرفی تملیق‌پذیری شاه بود.

طعنی از آن گزارنده برود که محرضایشان که به گفته ناپالم روندهای حقوقی شیری وی از
"سیاهترین" پروندزای دنیا بود، به صفت "دموکرات "مورد تحسین واقع می‌شد. به استاند
محبت‌ها و نوشته‌هی فوق، سردداران غربی و بلندی‌دان به سوی دنیا به که دیدار از ایران،
محرضا را با صفاتی چون "رهبری برتره"، "مدل‌ساز"، "پروندزای زمامدار"، "ناشنا
برای وحشت مسلمین"، "طرخ و وتن‌گر"، "دارای شخصیت جهانی"، "زنبق ثبات در
خاورمیانه"، "متفق آزادی در دنیا" و... مورد ستایش و تمجید قرار می‌دادند. روزولت اظهار می–
داشت که در همه‌ی ممالک آسیا پادشاه به دموکرات منشی پاشا ایران، "دیکتاتور نمی‌شود.
دانشگاه هاروارد در درجه دکترای افتخاری که به شاه ایران در ۱۴ خرداد ۱۳۴۷ اعطای کرد.
پژوهش‌های اخیر ایرانی تاریخ/۱۷

محمد‌زاده رادر زمره‌ی "رهبران برخاسته قرن بیستم" نامید. با این تعریف محضر از یا نمی‌شناخت و "مهربان" تهیه‌گر در اتاقی که بر سر و در سیاست خارجی در پیش می‌گرفت"3 و برآورد افرادی که و روابطی از توانمندی و اخلاق ملی و جهانی خود می‌پافته و خود را پی‌بیاکن از این‌ها نه خیلی نمی‌داند.

اختیار ساکشی از زنجیری تملق‌هایی که از شاه صورت گرفت بر زبان جمعی کارتر، در ۱۳۵۶ جاری شد که قول داش "رهبر نیرومند" ایران یشتیاقی کند و ایران را جزیره‌ی باد در متلاطم‌ترین بخش دنیا نامید. روایی‌های تملق‌هایی محضر از بین و واقعیت تملق‌های سیاسی نیز با جمهوری‌پویکی و غرب در سیاست خارجی تفاوتی قابل شود و در نتیجه ایران را در یک حال" رقابت عمق "در آستانه انقلاب قرار داد.

بدین‌هی، پارانویای سیاسی

محضر از نوعی بدبینی به همه چیز و همه کس رنج می‌برد. وی همچون پدر، درباری خطر روسها بزرگ‌نمایی می‌کرد و درباره‌ی انگلیسی‌ها نیز به‌گرمی برق‌داری و روابط گستردگی تا پایان عمر به مقاصد ایران که می‌توان آن را نوعی "نوعی توطئه" دانست، بدبینی بود و چنان می‌پندانش که همان‌گونه که انگلیسی‌ها پدرش را از صحنه‌ی قدرت خارج ساختند، در آنان انقلاب با تهیجات و با تبلیغات بزرگ‌نمایی درباره‌ی سیاست ضد حقوق بشری شاه ایران، در واقع برای همیشه او را از قدرت برکنار ساختند.

ابعاد بدبینی درباره‌ی انگلیسی‌ها در طرح تلقی‌های وی از چهار سیاست چنان معمومیت یافت به بود که می‌پنداشت، "تعاقب‌ها" به‌رغم انتکای روزافزون‌شان به مسکو در باطل نتایج انگلیس‌ها هستند۴. در تصویر تاریخی پارانویای شاه همی‌خالقانش به طریقی آلتا دست دشمن خارجی پونده.۵

---

1. حران، ص. ۹.
3. حسنی هیکل، (۱۳۶۶)، ایران روزافزون به حکومت انگلیسی، ترجمه، محمدرضا اسماعیل، تهران، سؤلا، ص. ۱۰۱.
4. گفته علی محمد مجد در (کتاب: اخلاق‌های جامع)، ص. ۳۳۳.
خودشیفگی، نارسایی

در تشريح و پژوهش نارسایی آمده است: "افراد خودشیفگه قدر به ادراك جهان پیرامون خود به
شیره عینی نستند، شباهتی که آنها می شناسند جهان ذهنی، افکار، احساسات، و نیازهای
خودشان است." ادرک آنها از جهان بیرون در چهارچوب ذهنی خود آنها محصور است." کاپلان، برآن پایه به که خودشیفته‌ها "احساس بزرگ‌ماندگان از اهمیت شخصی، بی تفسیر بودند و
توجه توجه و تمجید دادند." براساس تعریف فوق صفات خودشیفته‌ها در شاه مخصوصا در
دهه‌ه خورشید به چشم می‌خورد.

شرح مرطمو مشتری نماینده مردم فسا، از دو برخوردار تفاوت محضردا درآغاز و انجام
سلطنت شیراز را یکی در ۱۳۲۳ که با فروتنی از فارغ التحصیلان مدرسانی در شیراز برخوردار کرد
و یکی در ۱۳۵۵ که همبستگی مفترضی به دیدار نماینده رفت. رفتاری که مشتری آن
را "انتحار", می‌نماید "نحوه تغییر از یک مسالمت که بر پیامدار خودشیفگی در اواخر سلطنت
داشت. و همین تغییر برخورد را با همسایگان ایران داشت.

محضردا از اینکه تصادف و مجمع‌های او در همه‌ی ادارات وجود داشت، عمیقاً احساس
رضایت خاطر می‌کرد و اشتباقی توصیف‌ناشدنی به مصاحبه با خارجی‌ها و توشتن درباره‌ی خود
داشت و با اغماش‌خوان برداشت ارائه‌ی تصویری مدرن از ایران را با تصویری عظیم گرایانه‌ای
اندیشن‌های خویشان، اگر نگیمی ترجیح، که تلفیق می‌نمود.

توهم عظیم

توهم عظیم، در انطباق با نظریه‌ی گوردن آلپورت از صفات اعظم محضرداشته، به شمار
می‌رفت که در طول سال‌های حیات سیاسی محضرداشته از استمرار و فراگیری برخوردار بود.
برآوری رویایی از جاگاه و منزلت خود و ایران، شاه را بر آن داشت، تا مدعی شود که در واقعی

---
1. تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۳، نشر ماهنامه تاریخ و فرهنگ، ص ۱۰۰.
2. نوشته‌های هیوز، ۱۳۷۴، نشر و نشر، ص ۱۳۴.
3. فرهنگ‌نامه، ۱۳۷۵، نشر و نشر، ص ۱۳۴.
4. صفحه‌های از فرهنگ‌نامه، ۱۳۷۵، نشر و نشر، ص ۱۳۴.
5. نوشته‌های هیوز، ۱۳۷۴، نشر و نشر، ص ۱۳۴.
کنفرانس تهران در سال ۱۳۲۲، مو اول آن به ایتالیا حمله کند و پس از آنکه وضع خود را در آن تغییر نموده و خطی به مالکان به حمله عظیم خود مبتلا شد، می‌تواند بررسی شود.

مصادری از عظمت طلبی محمد رضوان در سیاست خارجی را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد:

کمک به کردی‌ها را از عراق به مزیت بیشتری، لشکری که عمان برای سرکوب شورشیان قرار داشت، ارسال سلاح به دولت زیاد بود در سومالی. 

کمک مالی به مؤسسه‌ها و مراکز غربی مثل کارخانه‌ای کروپ، کمک ۲۰۰ میلیون دلاری به بانک جهانی و ۵۰۰ میلیون دلار به صندوق بین‌المللی پول، برگزاری جشن‌های دو و پانصدسال، اظهارنظر درباره وقایع بین‌المللی از طرف برای مدیریت جهانی و نقد هنگامی و بهبود در این مورد می‌تواند بررسی شود.

شاید نشان دهد که به غرب و شرق هشدار دهند: "ما هرگز شیوه‌ای نفت خود را به روی غرب نخواهیم بست..." اگر لازم باشد حاضریم با هر قیمت بجنگیم، حتی اگر کشور به زمینی سوخته تبدیل شود.

در آن سال‌ها، دچار توهم بازی قدرت با کشورهای مندروی که قدرتی کند بدی به شمار می‌رفتند، شده بود و دست کم در سیاست‌گذاری، خود را در مقامی می‌دید که ادعای کننده "آمریکا مقدرت‌ترین نبردی حفظ ثبات و صلح" در منطقه است و هشدار را زاده که چنانچه شورایی بسیاری از آنها، نظر اقتصاد در عراق، ادامه دهد، "آمریکا نیز با درخواست دانست تأسیسات در خلیج فارس از سوی امکان موقت خواهد کرد."

محمد رضوان در دیگر دیگر از حالات توهم آلوده، اظهار می‌دارد: "آمریکایی‌ها باید بدانند که مخالفت ما با دخالت بی‌جانگان در خلیج فارس جدی است، آمریکا باید درک کند که ما یک کشور

---

2. مارک گازوی، لاسفلد، سیاست خارجی آمریکا و نشانه‌های جدید و حکومت سلطه پدیده‌ای بر ایران. ترجمه جمشید زنگنه تهران. رسا. ص. 41.
3. رادیو تاکتیک‌های زندگی در کنگو با پروای اجتماعی، ص. 7.
4. پایه یک تاریخ ص. ۲۷۵.
5. laing, p. ۱۹۸-۹۷.
مستقل هستیم و در مقابل هیچ‌کس سر فرو و نمی‌آوریم" و این در حالی است که دولت ایران در صدر بیست و دومین دنیا با دچاری و واقعیت شدید به امریکا قرار داشت.

یکی از اشتباه‌های بلدیپوزارانه مجدد، تبدیل کردن ایران به یک قدرت پلیسی با توان پارادوکسی بود که بیش از حد جامع‌التجاره و کوته‌بانیانه جلوه می‌کرد، زیرا "حذف‌های ادعای او می‌توانست این باشد که یک قدرت منطقه‌ای وابسته است و بی‌خیال حفظ استقلال خود در بندبندت‌های امریکا را ندارد." در تکوین و ترک تصدی قدرت عاملی دوی، عوامل چندگانه زیر از آن‌گونه بودند:

1. پا به داش کشوری با جاذبه‌های فراوان ژئوپلیتیک و بهره‌مندی از موقعیت بری و جهان و گذرگاهی، شاهد توان اظهارات زیر را مصداقی از وقوع شاه به چنان موقعیتی دانست:

"خلیج فارس برای کشور من مساله‌ای مزرعه و زندگی است. یا بهتره است بگوییم زندگی یا مرگ است." ۳

۲. قرار گرفتن در مرز انتزاع جهان و دارا بودن منابع عظیم گاز و نفت و انرژی چهار برابری قیمت نفت چاب تصویب مجدد در تطهیر ۱۹۷۳ بر صفحه نخست تایمز به عنوان امپراطور نفت.

۳. زندگان دوش ایران در منطقه. اشتباه و اراده فردی مجدد در تحقیق هزمونیک گرایی و بازنگری قدرت اسلامی ایران، خلاصه قدرت ناشی از خروج انگلیسی‌ها از خلیج فارس، افزایش قیمت نفت، سیاست تسیل‌سازی جنگی آمریکا مجدد در نیکوسیون و محول نمودن مستندات منطقه‌ای به قدرت‌های محلی امکان جلوگیری به آن داد. از عوامل مؤثر بر زندگانی ایران در منطقه بود که مجدد در هم‌سازی علل و عوامل مساعد در چنان رخدادی را به نوش خود، مصادره به مطلوب نمود. در برآورد امکان همه وم و بندبندی از موقعیت خود و کشور به فلسفه سیاست تسیل‌سازی ایران را برای سپری امریکا، این چنین تشريح کرد: "برای امریکا فروش اسلحة یک مساله‌ی تجاری است، ولی تهیه اسلحة برای ما...

---

۱. - Avery, Vol Y, P۱۵۰.

۲. - Laing, P۱۰۱.

۳. - محمدرضا حمایی، الکترونیک (۱۳۳۱)، اقتصاد سیاسی ایران: ترمیمی مجدد در اسلامی و دیگران، تهران، ققنوس، ص۱۸.
پژوهش‌های اخیر ایرانی‌های تاریخ/۱۳۹۸

پژوهش‌های اخیر ایرانی‌های تاریخ/۱۳۹۸

با تاب مولفه‌های شخصیتی معموردزضا بر سیاست منطقه‌ای ایران

بازتاب‌های دلسوزی مذاکرات و شخصیت‌های بیگانه‌تری معموردزضا در سیاست گفتاری وی در یکی از مذاکرات مذاکرات ایرانی‌های تاریخی معموردزضا بر سیاست منطقه‌ای ایران

بازتاب‌های دلسوزی مذاکرات و شخصیت‌های بیگانه‌تری معموردزضا در سیاست گفتاری وی در یکی از مذاکرات مذاکرات ایرانی‌های تاریخی معموردزضا بر سیاست منطقه‌ای ایران


citation 1: avery, volv, pš52.

citation 2: avery, volv, pš52.

citation 3: avery, volv, pš52.
پژوهش‌های اخیر ایرانی‌تاریخ/۱۳۹۹

در منطقه را لازم می‌دانست:۱. ایجاد دموکراتی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در داخل کشورها. ۲. ماموریت از خریداری و توزیع تدریجی و تحاوز.

شگفت ان که در حالی که سیاست زده، شاه، در شکنجه در دانام امکانی و همچنان منطقه‌ای آن اسراییل در داخل کشور به انتقال بر ضد برنامه‌های خانه یافته و در سطح برویه موجب از تغییرات در شوراهای حتی همساگان را برانگیخت، اما شاه خیال بردارت ایران در تبعیدگاه ایران می‌وزرده که: "هدف اصلی من در سیاست خارجی این بود که ایران بهترین روابط را با یکی از کشورهای همسایه و همچنین داشته باشد." ۲

به رغم اعلام سیاست همسایگان و همچنین مسلمان‌آمیز، در سیاست کردگان محمدرضاشاه همچنان آنان مورد بی‌مهری شدید سیاسی ایران قرار داشتند. از سوی دیگر عربستان و مصر به دلیل برخوردی از پارادایمی که برای سروری در خاورمیانه، حس حساسیت او بر ایرانی‌گیتختند، دیگر کشورهای عرب مانند عراق را بارها تحقیر نمود. درباره افغانستان، ترکیه و پاکستان در سیاست گفتاری بنا را بر باری "دوستی و همکاری کامل" ۳

نهاد بود ولی در سیاست کردگان، همواره در صدد الیاف برون‌بود نهاد بود.

در سیاست منطقه‌ای بارها به تحقق جمل عبدالصمد تا دهه‌ها در حافظه‌های جمعی اعتبار، منزلتی بس واقع یافته، می‌پیدا می‌شد. و از "فرعون سبکسیر مصر", "جاهطلب", "آدم کش", و "کسی که تن مسلمین نفاق افکنده" ۱۳ می‌نمی‌رفته. در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۳، فقط سال سال سال سال سال سال

از سقوط بیلولو و پیش از آن که با وقوع انقلاب معادله‌های جاری قدرت در منطقه رهی آیه‌ی خویش شود، شاه طرح تلقیش از ساختار قدرت منطقه‌ای را این چنین تشخیص می‌کرد: "خنددار است، بدون توان دفاعی ایران آن‌ها در مقابل کمونیست‌ها ممکن است. اولین انتخاب ما همکاری است و انتخاب دوم ما این است که در صورت لزوم به تنها یک تیم برود." ۴

بازار مرجع، اصلاح تحقیرگر، "عراق ملیک", "عراق بینا", "را برای دو کشور همسایه به کار برد. و این گفتگو اندیشه‌های دشمن مکس و بر، جامعه‌شناس آلمانی را تنها گرفت که

۱. laing. p. ۲۰۰۴.
۲. ماموریت برنامه، ص. ۲۹۱.
۳. یا بسیار بی‌ساله، ص. ۱۵۹.
۴. همراه، ص. ۱۴۲.
۵. روزنامه‌ی اطلاعات، بیمه شریف، مرداد ۱۳۳۹.
پژوهش‌های اخیر ایرانی تاریخ/239

"یک ملت شکست را می‌تواند تحمل کند اما تحقیر را هرگز و بنابراین توان تحقیرهای محدود را را در فرآیند انقلاب، مردم ایران به جای روسای و نگرانی‌های ایرانی در نظرگرفتن از سوی دیگر فردا نمی‌خورند. این موضوع نسبت به دوستانه مسلمان منطقه، اثراتی از تفرعت و کومه‌های هودا بود، با بی‌اعتنایی به متغیر محیط ملی، تصمیم به شناسایی دو فاکتور اسرائیل غیرمسلمان نمود.

این تصمیم، اعتراض شیخ محمود شلتوت رییس دانشگاه الازهر را به‌پا کرد. وی تصمیم شاه ایران به شناسایی گروهی را به‌عنوان اسرائیلی را مورد شماتت قرار داد و خواستار تجدید نظر شاه در آن تصمیم شد.

اما مصداق داد "روش ما در شناسایی دو فاکتور مکرور مورد تقدیر مالک و ملل اسلامی واقع گردیده و درصد تغییر این روی نیز نتیجه نخواهد در خشانگری از اسلامی مورد پذیرش جامعه ایران و منطقه از سوی شاه در گاه تصمیم‌گیری شناسایی دو فاکتور اسرائیل، آمیختگی تاریخ افراش چند جانبه با اسرائیل؟

اگر این دو باید از راه ایجاد کرد، در سطح داخلی برابری دامنه‌ای و اکثریت داخلی افراش به سقوط شاه انجامید و در سطح منطقه‌ای این اتقوای شاه را تشدید نمود.

بازتاب خصوصیات فردی ماعدب‌ضا به سیاست جهانی ایران

خطامشی گذاری در سیاست جهانی نیز بر ترکیب گزینبرپرآوریدی ترس‌آور و در عین حال بسیار بندیده‌واژنی مخدوری‌ها. از موقعیت جهانی ایران استوار شده بود. پارادوکس‌های شخصیتی وی که به‌تنهایی به آنها متأثر از خصوصیات محیطی و فرهنگ سیاسی ایران بود، بر شهره‌های فکری و عملی سیاست‌گذاری خارجی ایران اثرات خود را بر چیزی گذاشت.

برای نمونه، احساس نبودن و پایدار بیگانگی گزینی مخدوری‌ها را در دهه بیش از دهه ای پیش از بزرگترین همسایگی ایران و ابرقتی جهان دور نمود، و یا وجود روابط مستمر با ایرانی و فنی تا آخرین دهه حکومت پهلوی، اما مخدوری‌ها از قدرت دیگر آمریکا به در

1 مرتضی قانونی، (۱۳۸۸) جستاری در روابط ایران و اسرائیل، تهران، تهران، ص، ۲۸۳.
2 bakhshayeshi, p, ۲۰۲۰.
پژوهش‌های افغان ایرانی‌تاریخ/44

مرحله شوروی ترسي در ارگوسیستمتیزی ی ممنا و تبیر می‌یافت بدهی می‌شد مهدی محمدزاده به مقایسه توسعه‌طلبانه شوروی، سبب شد ایران، به لحاظ مهم سیاسی نفوذ شوروی تبدیل شود. در پی شکست سیاست تسلیحاتی تاملاری و تهاجمی و پیوند ایران به یمن بندی و عضویت در سنتو، همکاران فرمان آرایه گری‌گرایی روی دیگر سکه‌های شوروی ترسي به شمار می‌رفت.

در سال‌های وپسین حکومت، تغییر چهره دادن ایران به کشوری با ارتش رفوم‌پاته، جمعیت زیاد، روحیه ملی سلطه‌گرایانه، درآمد سرشور نفت و ثبیت بالاتر از معدل ثبات منطقه‌ای ایران را آماده پذیرای سمت "بررسی‌گرین نیروی حافاظ سلح در خاورمیانه" و به تبیر دیگر زادانداری، نمود. درچه شرایط یاد شده برای سلطه‌گرایان ایران در منطقه لازم بود، اما کافی نیود هراس‌های غربی به علاوه ویژگی‌های نارساییی و جاودانی‌های مadaşارضا، که از نگاه بروخی از غربی‌ها "بر جستجوی و شادی نهایی آرا و نگاه‌های بانفوذ خاورمیانه"، بی شمار می‌رفت، در فرجام باعث شد که با استناد این سمت را پذیرفته و شرط کافی را برای ان موقعیت فراهم شود.

در منطقه اینگونه، مصاحبه، متحده استراتژیک، و ممنوع امریکا در دهه ۱۹۷۰ شکه می‌کرد. انتخاب این سیاست با معاد و طری ضداندازه‌ای شخصی مصاحبه رابطه‌ای معناداری وجود داشت. اشتباق به چله‌گری و خودنامه‌ای که از همان آغاز نوچوار در مصاحبه وجود داشت در دوران پادشاهی درب‌قرازی رابطه با قدرتمدتروی قدرط دنیا، که امکان مطرح شدن هر چه بیشتر، در جهان را به می‌داد، نمی‌می‌شد.

یکی از نتایج نادرست مصاحبه‌ها از توقیف این بود که باید پادشاهی باشد که غربی‌ها به خصوص امریکا، او را تایید کنند و به احظر وگانی، نیاز مستمری به تایید غربی‌ها می‌دارند و همین واقعیت به واقعیت اوضاع می‌افزود و واگرزید میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی در داخل ایران را غیرقابل جبران تسه می‌ساخت.
شان این وضعیت بخاطر را بپردازیم، شخصیت شخصیت گروهی جمهوری اسلامی به‌طرف می‌شود و دانش و راهبردی‌های نصیب شده به دو که نشان‌دهنده کمک‌های طلایی انتخاب که طلای نومنوسی، قدرت‌های پیشین قدرت دنیا را نیز عهده‌دارند، و این امر با افراد مقاومت کرده بود که شاه ایران علیه سیری ناپذیری برای قدرتمندی دارد، و در پیرو برخوردی از پیشینه‌های یک قدرت حاگی یکی، می‌تواند امیال منطقه‌ای خود را خامه‌‌ای عمل بیوشاند و پس از آن بود که امریکا راهبرد منطقه‌ای خود را صورتگیرانه نمودن برنامه‌های اسلامی و انطباق آن با منافع پایدار خویش در خاورمیانه نمود.

خط مسیر غرب‌محوری، که ایران به وصل به‌صورت پس از کودتای ۱۳۳۲ در سیاست خارجی در پیش وارد بر قدرت روایی محدود رضا می‌افزود، به انجام برخی از اعمال بلندپروازانه که ذکر آن در سطوح پیش رفت سرانجام خود را در سطحی فرانت از ایران مطرح کرده، تا گاپی که پابل بل ششم از آرزوها وی برای "ساتر" مثل جهان" داد کرد، سربیپر کل کنگزای درمان، از مورد توجه واقع شدن ایران و "شخصیت جهانی شاه" در محافل سیاسی جهان خبر داد.

نتیجه‌گیری

در جوامع توسیع‌ناپذیره که نهادهای دموکراتیک کارکردی تقلیل گرا، دارند و تحت‌الشعاع قدرت فردی تصمیم گیرنده‌هستند، تصمیم‌های قائم به فرد گرفته می‌شود، در این جوامع بسیار، همانند ایران دوره‌های پهلوی تصمیم‌گیری بسیاری تحت تأثیر افکار عمومی و گروه‌های ذهنی و مطوطیان، پارلمان و صورت می‌گیرد. از زاویه‌های نگاه این پژوهش نیز، سیستم و نظام سیاسی موجود در هر کشورگوی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را تا حدود زیادی مشخص می‌سازد، به این معنای که عموما در سیستم‌های باز، عوامل داخلی و خارجی اثرات قابل ملاحظه‌ای بر قرارند تصمیم‌گیری می‌گذارند، چه نظام بورکراسی اشتیاق به اخذ تصمیم‌های کارشناسی شامل دارد و لذا تصمیم‌ها در این نوع سیستم‌ها، کنده، اما نسبتا دقت گرفته می‌شود. در صورتی که در جوامع

۱ شخصیت جهانی شاهنشاه، آریایه از نظر سران کشورهای غربی، ص ۱۲۷.
پژوهش‌های اخیر ایرانی‌های تاریخ

سته، محل و آزادی برای بازیگران متعدد ایجاد نمود. و به دلیل نوبت تفکیک مناصب از مکانات و عدم سلسله مراتب ادای تصمیم‌گیری شتابزده و با حداکثر دقت و تأمل صبر می‌گیرد. این وضعیت با روحیه ناشکه‌ای محمدرضا یلخانی به‌نیز همخوانی بود که می‌خواست هرچه زودتر ایرانی مدرن بپردازد و زود با زور همه‌ها شد و سپس سقوط حکومت یلخانی گردد.

همچنین، ساختار نظام بین‌الملل بر ماهیت و فرم تصمیم‌گیری به‌خطوس در کشورهای توسعت‌ناپایه و آسیب‌پذیر اثر غیرقابل انکاری دارد برای آن‌ها، در فضایی کن قطعی و دو قطعی حتی برای کشورهای ضعیف به‌گونه‌ای نسبی امکان بازیگری محدود وجود دارد، اما در فضای تک قطعی امکان بازیگری محدود هم از کشورهای آسیب‌پذیر سلب شده و ناگرزید از استحصالی در هر روز بین‌الملل خواهد شد.

در این دوره ایران‌ها زیر فشار نظام بین‌الملل ادامه به تصمیم‌گیری نموده، همانند تداوم سیاست‌های طرف حاکم جهانی دوم، پذیرش قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و سال‌های بعد با انجام اصلاحات ارضی و در ویژه بخش سال‌های حکومت، هم تصمیم اجباری به‌تحقق سیاست فضایی شکست‌دار به‌شکلی که به فکر عمومی سیاست به‌سوط شاتری‌ها به‌سوط شاتری‌ها تکنیک زیر بروز است

شایان‌ترین که بی‌تأثیر از فشار دولت‌های غربی‌برای نبود. ساختار ناعادلانه‌ی قدرت در ایران شاه را از اختیارات گسترده حقوقی برخوردار نموده به علاوه فرونز خواهی و اتحادیه‌های محدودیت، سپس شد در عمل علاوه بر برخوردی از چهارچوب قدرت قانونی دامنه‌ی قدرت را، فراتر از آن‌چه که در قانون پیش‌بینی نموده بود، گسترش دهد.

موبایل شاهنشاه باعث شد که ورزش‌های فردی محدود‌تری در‌سرخی به‌گستنی کشورش تجلی‌نهایی، تصویرهای دارد، محدود‌تری از نظام بین‌الملل و معادلات جهانی قدرت، زمینه‌ساز تصمیم‌های‌تاندیش‌ی‌م‌شه‌ها نزدیک به‌بر از طرف خوش‌نظری که این بود که شاه‌پردازی، توانایی‌ای تجربی و تغییر بخش‌سراندن تجربه را که نیاز از آرای کارشناسی‌شده‌دار، بی‌بنی و پاراتولو بسیاری، شاه‌پرداز این تصویر شده بود که دست پنجه‌های انگلیس‌ها در وری‌هر ردید بین‌المللی و‌جهت دارد.

روپاهی‌های و عده‌ای آرامش به‌خیالگو و روشن‌تر کردن برای سه‌میدان در بی‌بی‌های تصمیم‌گیری و شخصیت شدن شدید قدرت. سبب‌سواستفاده قدرت‌های بزرگ از روهی
نادرست تصمیم‌گیری در ایران شد و غالبا به سود منافع ملی گریزانند. در روند تصمیم‌گیری درسی‌سازی خارجی ایران، مداخله می‌کردند.

در اتطابق با نظریه گوردن آلپورت، شاه "تنظيم‌گرایی متمایز" بود و در اتطابق با تئوری رایموند کاتل، شاه آینه‌ای صفات محبب خود، دچار و هم، دربارهٔ گاگاه فشفش در معادلات پیچیده قدیر بود. قدیر تنها چارلز فنیو کشورها یکی می‌گذارد و اتفاق نمی‌افتد. قدیر توانسته‌ها و منافع گریزان را به این دو حوزهٔ خودکش و این قدیر شخصی شده، دیگتنه نمایند.

پارادوکس‌های شخصی شدن محدودها، همچون بیگانه‌گریزی و بیگانه‌ترسی، دست‌نشان‌گذی و برآوری‌های تورش و عملکرد گرا بودن که به ویژه، بر کد و رفتار شاه در قبال قدیر‌های بزرگ، نموده‌یافته را در دو کوشش خود و طرح ویژه، فکری محدود‌گرایی، با نواحی تا این جایت بهانه‌ای این تحقیق نشان می‌دهد که طرح ویژه، فکری محدود‌گرایی، با تأثیر قدرت آسیبی، هم‌زمان با دیگری‌که در خامشی خارجی و مادر نهایی کردن ساختارهای اقتصادی و فرهنگی در داخل کشور بود. اما محدود‌گرایی نیز به گنجینه مادی و نه آنچه از دست‌می‌دهد و برای تحقیق طرح ویژه، فکری خوشش در سطح تجارتی با را از مراحل‌پیوستگی با گرب فواره‌های به ویژه شکن‌گرایی امروز در داد و از سطح متن‌های با را دیپ می‌بست نیاینی قدرت امروز با زبان‌نامه کردن، منطقه را به‌سوی شرایط بحرانی "صلح مسلم" سوق داد و در داخل کشور، با انگلیس به درآمد هنگفت نفت، بیش از پیش خود را به‌دلت از طلای و نیتریات اثر- گزار اجتماعی دید و واگرایی میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی را فوری نبهایت و سرتابان تعارض مبانی حاکمیت و مردم به استادانی رسید که، مفری جز انقلاب نمودن، نیافند.
The Influence of Personality in the Process of Decision Making in the Foreign Policy of Iran during the Last Decade of the Reign of the Second Pahlavi Monarch

Nafiseh Vaez

Abstract:

Mohammad Reza Shah’s personality affected the foreign policy of Iran. This presupposition is based on the theory of James Rosena according to which in under developed countries personality affects decision making. This article examines this phenomenon which in combination with internal social factors accelerated the decline of the regime.

Keywords: Mohammad Reza Shah, decision making, foreign policy, Iran, personality

1. Assistant Professor of Political Science and International Relation, Shahreza Azad University.
فهرست ماخذ و ملاحظه

- اکبری، محمدعلی، (1382)، دولت و فرهنگ در ایران 1357-1360، تهران: روزنامه ایران، موسسه انتشاراتی.
- ازغدی، علی‌رضا، (1375)، روابط خارجی ایران، در دست شناخته‌شده، تهران، قوام.
- اورنگ، قدرت الله، (1347)، شخصیت جهانی شاهنشاه آریامهر از نظر سران کشورهای گیتی، تهران: پن. (عج) جلیلی، شیراز، تقنوی.
- بیل، جیمز، (1371)، عقاب و شیروی‌زدایی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران، کوبه.
- بولاذردوست، (پیتا)، نامه‌هاي خخصوصي و گزارشهاي محرمانهي، سریبرد بولاذردوست، ترجمه غلامحسين مرزآصلح، تهران: پن.
- یکله، مهدم‌درا، (1363)، اقلام سفید، تهران، کتابخانه یکله.
- براح، بروجردی، (1368)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در هریزو تحریلات، مرجعهایی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- راجبی، پروین، (1372)، در خدمت بازگشایی حسن ابوترابیان، تهران، اطلاعات.
- زاهدی، اردشیر، (پیتا)، راه‌های ناگفته «اردشیر زاهدی» در گفت وگو با پیام‌های ابتدایی، تهران.
- زرگر، علی‌اصغر، (1367)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، تهران، پروین.
- زندی، فردون، (1379)، ایران و جهانی پرتره‌ای خاطراتی از دوران وزارت امور خارجه 1347-1369، تهران، شیراز.
- زنگنه، مروین (1371)، شکست شاهانه روانشناسی شخصیت شاه، ترجمه عباس مخبر، تهران، وزارت امور خارجه، سازمان چاپ و انتشارات.
- سیفزاده، حسن، (1385)، اصول و روابط بین وحدت (اله و ب)، تهران، میزان.
پژوهشی افغان ایرانی تاریخ/۱۳۷۵

- (۱۳۷۵) مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تهران

انتشارات وزارت امور خارجه.

- شالو سعید (۱۳۸۲) کشاورزی و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت، تهران، رشد.

- علم، اسادالله (۱۳۷۱) گفت وگوی من با اولین خاطرات مدیرانه این نظریه‌دان رضا هوشنگ مهدی، تهران، طرح نو.

- فلاحی محمد ابراهیم، (۱۳۸۲) جشن‌هایی درباره تشریبی توطئه در ایران، تهران، نشریه.

- فروغی، محمود (۱۳۸۲) خاطرات محمود فروغی کهی وزارت خارجه و سفیر ایران در امریکا، به کوشش حسین لاجوردی، تهران، کتاب نادر.

- قانون، مرتضی (۱۳۸۲) جستاری در روابط ایران و اسرائیل، تهران، طبستان.

- کابلیان، هاروی و دیگران، (۱۳۸۲) نظرها و اخلاقات شخصیت، ترجومه نصرت‌الله پورافقاری، تبریز، بی‌نام.

- کریمی، يوسف (۱۳۸۲) روانشناسی شخصیت، تهران، مؤسسه نشر ویکی.

- کی استوان، حسین (۱۳۵۵) سیاست موانع‌ی منفی در مجلس پنجاهم، تهران، انتشارات مصدق.

- لاهیتک، مازیار، (۱۳۷۵) مصاحبه با شاه، ترجومه‌ی ارشدی روشانگر، تهران، برز.

- گازیپورسکی، مرکزی (۱۳۸۲) سیاست خارجی امریکا و شاه ایجاره‌ی یک حکومت سلطه‌پذیر در ایران، ترجومه‌ی جمشید زنگنه، تهران، رسا.

- محمودی، منوچهر (۱۳۷۵) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل، تهران، دادگستر.

- ملیتی، مرتضی (۱۳۷۵) گوشه‌های از خاطرات من در پنجم سال اخیر تهران، گندم.

- مصطفی، نسرینی (۱۳۸۵) تغذیه‌ی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه مزار کاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مولوی‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۲) از ترجمه‌ی پرورشی تهران تا سقوط شهبان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- میرزاپورسکی، احمد، (۱۳۸۲) دیلپسی و سیاست خارجی ایران از سوم شهریور ۱۳۲۰ بهمین ۱۳۵۷، تهران، علم.
- همايون کاتوزيان، محمدعلی، (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه مهدی پناهی و دیگران، تهران، فخسو.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضی، (۱۳۷۶)، در حاشیه‌های سیاست خارجی از دوران نهضت ملی تا انقلاب، تهران، گفتار.
- مقالات
  - هویدا، فریدون، (۱۳۶۳)، سقوط شاه، ترجمه ح. ج. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
  - هیکل، حسن، (۱۳۶۶)، ایران رواجی که ناگتفه ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران، پیا.

- اولن، دیوید، (۱۳۸۷)، "بنیادی شاه و دولت‌های غربی"، ترجمه عبدالرضی هوشنگ مهدوی، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۱و۲.
- کتابی، محمود (۱۳۸۲)، "نظریه نظام جهانی جان فوران و انقلاب اسلامی ایران"، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۷، شماره ۶.
- مالکی عباس (۱۳۸۲)، "تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران (رهایت تجاری)"، فصلنامه علم سیاسی، روشن‌نامه
- اطلاعات، سه مهران ۱۳۶۹، ۲۸ زوایه ۱۹۶۰.
- کیهان، عمرداد، ۱۳۶۹، ۲۸ زوایه ۱۹۶۰.
- منابع لاتین
